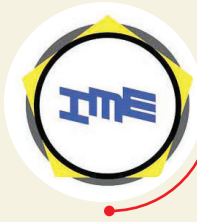




کاهش واردات گوشت در آینده

وزیر جهاد کشاورزی از برنامه‌ریزی برای کاهش ۲۰۰ هزار تنی واردات و خودکفایی کشور در تولید گوشت قرمز تا سه سال آینده خبر داد. به گزارش ایلنا، غلامرضا نوری قزلبچه عنوان کرد: در تولید گوشت حدود ۳۰ درصد هزینه‌ها را با ارز ترجیحی پوشش می‌دهیم و حدود ۷۰ درصد آن با همان شرایط بازار آزاد که در اقتصاد کشور وجود دارد، تنظیم می‌شود و در نتیجه احتمال نوسان وجود دارد. وزارت جهاد کشاورزی باید حامی دامداران و تولیدکنندگان باشد که تولید اقتصادی و به‌صرفه شود و هم از مصرف‌کنندگان حمایت کند. او با اشاره به اینکه ۸۰ درصد گوشت مورد نیاز کشور در داخل تولید می‌شود، گفت: از ۲۰ درصد مابقی نیز حدود ۱۳ تا ۱۴ درصد با ارز توافقی مرکز مبادله تامین می‌شود و تنها ۷ درصد از گوشت مورد نیاز کشور با ارز ترجیحی وارد می‌شود که جنبه تنظیم بازاری داشته است. اتکالی اصلی ما تولید در داخل و اولویت وزارت جهاد کشاورزی حمایت از تولیدکنندگان داخلی است.



ارزش ۴۴ همتی معاملات بورس کالا

بورس کالای ایران اعلام کرد در هفته گذشته ۲ میلیون و ۱۵۶ هزار و ۶۰۶ تن انواع محصول به ارزش ۴۳/۹ هزار میلیارد تومان دادوستد شد. به گزارش ایرنا، در هفته گذشته تالار محصولات صنعتی و معدنی شاهد معامله ۵۶۲ هزار و ۱۴۶ تن محصول به ارزش ۲۰ میلیارد تومان بود. در این تالار ۴۸۷ هزار و ۷۴۶ تن محصولات فولادی، ۶۱ هزار و ۲۰۰ تن آهن اسفنجی، ۹ هزار و ۱۷۰ تن آلومینیوم، ۲ هزار و ۸۳۰ تن مس و یک هزار و ۲۰۰ تن روی معامله شد. از طرفی در دو بخش داخلی و صادراتی تالار فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی ۳۶۳ هزار و ۷۰۷ تن انواع کالا و محصول به ارزش ۱۲/۵ هزار میلیارد تومان به فروش رسید. در تالار فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی ۱۹۲ هزار و ۹۰ تن قیر، ۹۰ هزار و ۳۳۳ تن مواد پلیمری، ۲۶ هزار و ۸۸۹ تن مواد شیمیایی، ۲۷ هزار و ۷۶۵ تن گوگرد، ۲۲ هزار تن لوب‌کات، ۴ هزار و ۴۱ تن روغن، ۳۸۰ تن عایق رطوبتی و ۳۰۰ تن گازها و خوراکی‌ها معامله شد.



پایان مماشات با بدمصرفان آب

دیگر جای مماشات وجود ندارد و آبفا مطابق با اختیارات قانونی، در مقابل بدمصرفان و پرمصرفان و همچنین اشتراک‌ها و استفاده‌کنندگان غیرمجاز برخورد قانونی به‌عمل خواهد آورد. به گزارش تسنیم، محسن اردکانی، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران، گفت: میزان مشترکان بدمصرف شرکت آبفا ای استان تهران از ۹ به ۶ درصد کاهش یافته است اما وجود حتی یک مشترک بدمصرف در شرایط سختی که هر قطره آب ارزش حیاتی دارد، مطلوب نیست و همه شهروندان باید در این زمینه مسئولیت جدی احساس و همکاری کنند. او اعمال جرمه و تعرفه‌های پلکانی و ایجاد محدودیت‌های مقطعی برای بدمصرفان و پرمصرفان را قطعی خواند و گفت: با توجه به اعمال مدیریت فشار در شبکه توزیع، از تمامی مشترکان به‌ویژه ساختمان‌ها و مجتمع‌های دارای بیش از دو طبقه درخواست می‌شود نسبت به نصب مخزن و تعبیه پمپ‌پس از آن همکاری و اقدام کنند.



علی ایوبی

گزارشگر هم‌میهن

شهرکی شبیه‌متروکه؛ شهرک‌های صنعتی اطراف پایتخت این‌روزها به خواب تابستانی رفتند. کارگاه‌ها تعطیل‌اند و تعدادی از کارگران و صاحبان کار در محوطه شهرک بی‌هدف قدم می‌زنند. قطعی برق از دوروز در هفته به چهار روز در هفته افزایش پیدا کرده و با حذف جمعه از فهرست روزهای کاری، به دلیل تعطیل بودن شهرک، می‌ماند دو روز. با دو روز در هفته کار، چقدر از حقوق کارگر، اجاره کارگاه، هزینه مواد اولیه و... در ماه تامین می‌شود؟ زندگی‌ها مختل شده، کاسپی خوابیده، درآمدها به صفر نزدیک شده، دعوادر خانواده‌ها بالا گرفته و صحبت از طلاق و جدایی، به روتین زندگی تبدیل شده. این‌ها شرایط این‌روزهای فعالانی است که در شهرک‌های صنعتی بیکاری می‌کنند. قطع برق به عادت روتین زندگی همه ما تبدیل شده اما هستند کارگاه‌هایی که برای هر ساعت برقی که می‌رود خسارات چندمیلیونی می‌بینند و صاحبان آن هر روز بیشتر از روز قبل شرمند زن و بچه خود می‌شوند. از جابجود تا شهرک صنعتی کمرد ۵ دقیقه راه است و واحدهای صنعتی و کارگاه کوچک و بزرگ در آن وجود دارد و چندصد کارگر در آنجا امرار معاش می‌کنند، برق که باشد کار می‌کنند و با گرانی‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند اما حالا که برق روی خوشی به آنها نشان نمی‌دهد، گرانی و تورم آخرین چیزی است که به آن فکر می‌کنند و نگران از دست رفتن کار و زندگی خود هستند. روز بازדיمدان از شهرک با روز قطعی برق تلاقی پیدا کرد. البته این تلاقی خیلی طبیعی است. اگر با روز کاری که فقط ۲ روز در هفته است همزمان می‌شد باید تعجب می‌کردیم. نزدیک ۵ هزار کارگاه صنعتی کوچک و بزرگ در کمرد فعال است. گرچه بهتر است از کلمه فعال هم استفاده نکنیم. ۵ هزار واحد صنعتی دایر شده بود که امروز نیمه‌فعال و بیشتر از نیمی از آنها به‌طور کل تعطیل شده‌اند. کمتر کسی را می‌شود در شهرک دید. ظهر است. گرم است. برق نیست. فقط تعداد انگشت شماری که یا جلوی کارگاه‌شان نشسته‌اند و یا بی‌هدف قدم می‌زنند در شهرک دیده می‌شوند. در یکی از کارگاه‌ها یاز است. سمت کارگاه که می‌رویم محمد با لبخند ماسیده‌ای نگاه‌مان می‌کند. وقتی متوجه می‌شود برای تهیه گزارش آنجاییم، «فاجعه» اولین کلمه‌ایست که می‌گوید.

▼ سه هزار کارگاه تعطیل شد

محمد سال‌هاست که در شهرک کمرد کارگاه دارد و از قدیمی‌ها محسوب می‌شود: از صدا و لحن او می‌توان فهمید که چه میزان فشار زیادی تحمل می‌کند و بی‌برقی و مهمتر از آن بی‌کاری چقدر روح و روانش را آزرده است. محمد به «هم‌میهن» می‌گوید: مسئله برق برای این شهرک که قطب صنعتی این منطقه است تبدیل به فاجعه شده و همه را فالج کرده است، کارگاه‌های بزرگ یکی یکی از هم می‌پاشند و کارگاه‌های کوچک یکی یکی جمع می‌شوند.

گزارش انرژی

در شهرک بالای پنج هزار کارگاه وجود دارد که به جرأت می‌توانم بگویم دو هزار کارگاه نصف و نیمه فعال هستند و سه هزار کارگاه دیگر تعطیل شده‌اند، صاحبکاران وحشت دارند قرارداد اجاره خود را تمدید کنند و برای بسیاری از آنها سخت است که حتی ماهی ۲۰ میلیون تومان کرایه بدهند.

▼ اینجا کار نمی‌کنیم، عذاب می‌کشیم

روزهای دوشنبه و پنجشنبه از ۷ صبح تا ۱۲ شب برق قطع می‌شود و روزهای شنبه و سه‌شنبه از ۶ عصر تا ۱۲ شب، و این یعنی عملاً ما دو روز در هفته کار می‌کنیم که در همین دو روز نیز هزار گرفتاری پیش می‌آید. وقتی یک کارگاه صنعتی دچار مشکل شود و نتواند بازدهی کاری داشته باشد، مسلماً جوابگوی صاحب‌ملک و مشتری و کارگر نیست و پاشیده می‌شود. اینجا کار نمی‌کنیم، عذاب می‌کشیم. در اینجا از کارگاه میل هست تا کارگاه تزریق پلاستیک و کارگاه CNC که با آن چوب و MDF و آهن را برش می‌دهند، که هر کدام از این کارگاه‌ها میزان برق مختلف مصرف می‌کنند. ممکن است الان و در شرایط کنونی یک کارگاه میل با یک موتور برق هم بتواند فعالیت کند اما واقعاً قدرت خرید آن را هم ندارد چون نزدیک به ۸۰ میلیون تومان قیمت آن است و قیمت سوخت آن نیز بسیار بالا است و اصلاً گیر نمی‌آید، یا کارگاه‌های CNC باید تا سه میلیارد تومان برای یک ژنراتور هزینه کنند؛ صاحبان کارگاه‌ها در فشار هستند. شما برنامه قطعی برق را در نظر بگیرید، قبلاً دو روز در هفته بود که با جمعه که معمولاً کارگاه‌داران برای تهیه جنس تعطیل می‌کنند، سه روز کار نمی‌کردیم اما یکبار به‌برق دوروز دیگر از آن چهار روز باقی‌مانده را نیز قطع کردند در حالی که به‌ما حتی از طریق پیامک اطلاع نداده بودند. متأسفانه کارگاه‌ها به صورتی نیست که قطعی‌ها را به هم اطلاع دهند، اداره برق می‌توانست با یک پلاکارد برنامه قطعی برق را اعلام کند. من دیشب به کارگاه آمدم و دیدم برق نیست، همکار من دیروز از تهران با مکافات تا اینجا آمد اما می‌بیند که برق نیست، او جوان است و با هزار امید به سرکار آمده بود اما افسرده و ناراحت رفت در حالی که مجبور است ماهی ۲۵ میلیون تومان کرایه بدهد. برخی از کارگاه‌ها تا ۳۰ میلیون تومان نیز کرایه می‌پردازند.

وقتی ما به مشتری تعهد می‌دهیم اگر جنس او را به موقع تحویل ندهیم، می‌تواند خیلی راحت چه قانونی و چه غیرقانونی با من برخورد کند، واقعاً دولت نمی‌تواند در باره تعهداتی که داده عمل کند؟ دولت تعهد داده که برق ما را تامین کند، برق مناطق مسکونی را دو ساعت در روز قطع می‌کنند اما برق مناطق صنعتی که نان‌آور خانه‌ها در آنجا کار می‌کنند و از همین کارگاه‌ها نان به سر سفره خانواده می‌برند را اینگونه قطع می‌کنند. من واقعاً نمی‌دانم قرار است در آینده چه شود و چه کسی مسئول است و اگر مسئولان توانایی ندارند آنها را تغییر دهند.

با شرایطی که برای ما پیش آمده، زندگی برای ما سخت شده، خدا شاهد است روزی هم که برق داریم به دلیل اینکه روز قبل برق قطع بوده با چالش مواجه هستیم و نمی‌توانیم به خوبی کار کنیم. همین دیروز، چون هنگام کار ناگهان برق رفت المنت دستگاه زیر بار گیر کرد و جنسی که می‌ساختم سوخت، اگر من امروز دستگاه را روشن کنم بقیه جنس هم می‌سوزد و تبدیل به ضایعات می‌شود، از طرف دیگر احتمال آتش‌سوزی وجود دارد و ممکن است هزار اتفاق دیگر بیفتد و این یعنی خسارت‌های مالی جانی که به خاطر بی‌برقی دچار آن شده‌ایم، یا هنگام رنگ‌پاشی ناگهان برق قطع می‌شود و رنگ در زنگ در دستگاه خراب می‌شود و هزار گرفتاری ایجاد می‌شود، یا در تزریق کار پلاستیک ناگهان برق

متروکه‌نشیمان در شهرک‌های صنعتی

با افزایش قطع برق به ۴ روز در هفته، تنها در یکی از شهرک‌های اطراف پایتخت، سه هزار کارگاه تعطیل شد

دستگاه قطع می‌شود و مواد در قیف آن گیر می‌کند و خشک می‌شود و باید همه را دور انداخت. یا وقتی برق CNC کار قطع شود اگر بخواهد تا فردا صبر کند قطعه خراب می‌شود و باید جایگزین کند. همه این اتفاقات، کیفیت کار را پایین می‌آورد، مشتری اعتراض می‌کند و موجب درگیری و حتی ناامنی می‌شود. به خدا قسم نمی‌دانیم چه کنیم، اگر موتور برق بخیریم باید بالا باشد که هزینه آن زیاد است، اگر نخیریم و با شرایط پیش برویم باید به خاطر بی‌برقی جنگ اعصاب داشته باشیم.

▼ داریم همه چیزمان را از دست می‌دهیم

محمد نصف روز به کارگاه می‌آید و بدون آنکه بتواند کاری انجام دهد به خانه برمی‌گردد، می‌گوید: تراز کاری خود را که نگاه می‌کنم می‌بینم اوضاع پارسال و سال‌های گذشته بهتر از امسال بود. پارسال برق می‌فت اما اینگونه نبود که وسط هفته بدون اطلاع قبلی ۶ ساعت برق را قطع کنند. شرایط خیلی به ما فشار آورده و حتی به شکلی شده که کارگاه‌های همسایه نیز با هم دشمن شده‌اند چون اعصاب ندارند، بر خودها و لفظا‌ه‌اند شده است. من می‌گویم از کسی که هارت و پورت دار دنیا بدتر رسید بلکه باید از کسی بترسید که هیچ چیزی برای از دست دادن نداشته باشد، ما داریم همه چیزمان را از دست می‌دهیم. همین الان که جلوی در کارگاه ایستاده و با شما صحبت می‌کنم، همین‌طور که اطراف را نگاه می‌کنم می‌بینم که عملاً چندین کارگاه تعطیل شده‌اند، ما شرایطی را داریم که نصف بیشتر کارگاه‌ها و کارخانه‌ها به خاطر داشتن کارگر اتباع و بیرون کردن آنها، کارشان لنگ مانده است، قطعی برق نیز داستان دیگری است که آنها را تحت فشار قرار داده است.

▼ از رفتن به اداره برق پشیمان شدیم

دیشب اتفاقی برای من افتاد که قطعاً در کارگاه‌های دیگر نیز رخ می‌دهد: به خاطر قطعی برق، یک چراغ شارژی را در ارتفاع نصب کردیم که ناگهان افتاد و نزدیک ۱۰ میلیون تومان به ما ضرر خورد، می‌توان گفت پول زیادی نیست و هزینه آن در می‌آید اما اگر کار نباشد و پول آن در نریاید باید چه کنیم؟ به خدا قسم به خاطر نوسانات برق، یک موتور پمپ و یک هواکش کارگاه من سوخت، آیا کسی این خسارت را متقبل می‌شود؟ به اداره برق که مراجعه کردم گفتند برو آقا! متأسفانه با لحن خوبی هم صحبت نمی‌کنند، یا جواب نمی‌دهند و یا طوری صحبت می‌کنند که از رفتن به اداره برق پشیمان می‌شویم. به خدا همه ما کاسه‌ای چه کنیم در دست گرفته‌ایم، کسانی را می‌شناسم که الان بیکار نشسته‌اند اما توانایی بالایی دارند و مغزشان کار می‌کند منتها شرایط به طوری پیش می‌رود که یکی یکی سر خورده می‌شوند.

شرایط هم به گونه‌ای نیست که شب‌ها به کارگاه بیایم و تا صبح کار کنیم، در شب ضرب خطا خیلی زیاد می‌شود و احتمال خطر بالا می‌رود، من واقعاً نمی‌دانم قرار است چه اتفاقی در آینده برای ما بیفتد. ما به عنوان کاسب این منطقه و شهرک با این شرایط کار نمی‌کنیم بلکه عذاب می‌کشیم، هیچ آمیدی نداریم و یکی یکی نصف می‌شویم. سالن‌های غذاخوری در شهرک کم‌شده چون وقتی کارگاه‌ها کار نکنند کارگران تعدیل می‌شوند و غذاخوری‌ها دیگر مشتری ندارند. از طرف دیگر دستگاه‌ها در حال فرسودگی است و کارفرماها توان بازسازی آن را ندارند و این روند همین‌طور پلکانی پیش می‌رود و همه چیز را به تعطیلی می‌کشاند.

با این شرایط وقتی نتوانم جوابگوی خرج و مخارج باشم ناخواسته زندگی من نیز با چالش مواجه می‌شود، آشفته می‌شوم و تصمیم‌های غلط می‌گیرم و در نهایت ورشکسته می‌شوم. این شرایط باعث شده گیر و گرفتاری‌های ما افزایش پیدا کند و چک‌ها و قسط‌ها به سر ما آوار شود و نتوانیم جواب مشتری را بدهیم. این مشکلات ناخواسته وارد خانواده هم می‌شود که اینک این اتفاق برای من هم در حال رخ دادن است و در زندگی دچار چالش و مشکلات شده‌ام و به‌مرحله‌ای رسیدم که بعد از ۳۲ سال زندگی مشترک به‌مشکل خورده‌ام.